

**امنیت اخلاقی سینما در گرو امنیت شغلی؟**

مطابق وعده، این هفته روی دیگر سکه پیرامون اتفاق رخ داده برای یکی از بازیگران مشهور کشور را ادامه می‌دهم. فقدان یا ضعف و کم‌رنگی پدیده‌ای تحت عنوان «امنیت شغلی» بی‌تردید عامل و پسترساز پدیده «امنیت اخلاقی» است که در هر دوی این وضعیت‌ها نقش مدیریت فرهنگی و در این مورد به‌خصوص، مدیریت سینمایی و «جامعه صنفی» غیرقابل‌انکار است. وقتی باتجربه‌ها خانه‌نشین، پیشکش‌سوتان منزوی، متخصص‌ها نادیده گرفته و متعهدها از دور خارج شوند یا احساس امنیت شغلی نکنند، نیروهای جوان مشتاق به‌جای حرکت در جاده هموار و کم‌خطر قانون در ناآل آمدن به شهرت و موفقیت، امیال خود را از طرق ناصواب تن دادن به انواع مفاسد، از جمله «هزینه جنسی» دادن، جست‌وجو می‌کنند. در واقع هر چقدر شیوه تولید و روابط و مناسبات سینمایی از حالت طبیعی تحت مدیریت کلان خارج شود و انجمن‌های صنفی پاسیو و دچار روزمرگی و بعضاً آلوده به فساد باندی/ جناحی شوند، احتمال این‌که هنرجویان و علاقه‌مندان فعالیت هنری/ سینمایی به‌سوی سلبریتی‌ها، پدروخوانده‌ها و کانون‌های قدرت در سایه متمایل و در مسیر بی‌اخلاقی بالقوه و لغزش‌های منتهی به «قربانی شدن» قرار بگیرند بسیار زیاد است. همه‌می‌دانیم که مورد اخیر اتفاق افتاده (تا هر جایی که واقعیت داشته باشد) اولین از این دست نبوده و آخرین آنها نیز نخواهد بود. فقط کافی است نمونه فاجعه‌آمیز دیگری که یک کارگردان سینما نزدیک به ۴۰ زن را آزار و اذیت جنسی کرده بود و الان زیر اعدام است به یاد بیاوریم. اغلب قربانیان این فرد برای میانبر زدن راه شهرت به او نزدیک شده بودند. چنانچه وضع بر همین منوال پیش برود، بی‌تردید «قربانی» شدن هنرجویان و شیف‌تگنان بازیگری و سینما متوقف نخواهد شد. در این‌که همه علاقه‌مندان سینما به شکل فردی باید از خود مراقبت کنند و گول سلبریتی‌های حراف، کم‌هنر از خدا بی‌خبر را نخورند شکی نیست اما باید بپذیریم که همه در سطحی از سواد و اخلاق و کنترل هوای نفس نیستند و این وظیفه مدیریت فرهنگی و جامعه صنفی است که با بسط و گسترش عدالت و امنیت شغلی، زمینه‌مساوی رشد و ترقی استعدادها را فراهم و خصوصا با بستن منفذهای فساد در هر قالب و تحت هر شرایطی باعث مصون ماندن فرزندان و محیط هنر کشور شوند. خانه سینما می‌تواند و باید در زمینه امنیت شغلی نقش فعالی ایفا کند. این مجموعه نباید صرفاً وظیفه‌اش را منتج به حضور و فعالیت در مراسم‌های فوت و تشییع کند. وقتی گفته می‌شود که بیش از نیمی از نیروهای جذب شده به پروژه‌های سینمایی و پلتفرم‌ها، آماتور یا نیمه‌حرفه‌ای در دایره خانوادگی/ رابطه‌ای و پولی هستند، چه نهاد و سازمانی جز مدیریت و خانه سینما باید تمهیدات قانونمند تغییر وضعیت را به‌سامان برساند؛ تغییری که امید جوانان در رسیدن به موقعیت شغلی را تقویت کند.

همان‌طور که هفته پیش به نقد عملکرد رسانه‌ها، خصوصا مجازی‌ها، در زمینه قضاوت زودهنگام و بازی با آبرو و حیثیت متهم احتمالی پرونده اخیر هشدار داده و آسیب این وضعیت را گوشزد کردم، حمایت برخی از سلبریتی‌ها و به‌ویژه چهره‌های خوش‌نام هنری/ ورزشی له یکی و علیه دیگری نیز خود نوعی فساد و احتمال نقض حقوق شاکری را تقویت می‌کند. منطق، اخلاق و منشی عدالت‌خواهانه حکم می‌کند تا صدور رای نهایی دستگاه قضا، سکوت پیشه کرده‌تا خدای نکرده حق‌ضعیفی پایمال نشود. اگر همه‌جاو همه‌وقت رفاقت، همگرایی صنفی و پشتیبانی از یکدیگر، امری ارزشمند و خدابسندهانه است ولی در پرونده‌هایی از این دست کنش صنفی بی‌معنا و متقابلا سکوت تا روشن شدن واقعیت عین اخلاق صنفی و انسانی است.

نشست خبری هفدهمین دوره مسابقات قرآنی «مدهامتان» در ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی- هنری مساجد کشور برگزار شد. حمید نیلی احمدآبادی، مسئول برگزاری، این رویداد را بزرگ‌ترین رقابت قرآنی بچه‌های مسجد در سطح ملی دانست. او از دو تحول کلیدی سخن گفت: نخست، تطبیق مسابقات با ماموریت ذاتی مسجد و تعریف شاخص‌های هویتی؛

### همدان میزبان مسابقات قرآنی بچه‌های مسجد

دوم، پرهیز از موازی‌کاری با نهادهای قرآنی دیگر و تمرکز بر پایگاه قرآن بودن مسجد. آمار شرکت‌کنندگان عبارتند از: ۸۸۶ کانون در مرحله مقدماتی، ۳۰۰ کانون در مرحله شهرستانی و استانی و ۵۰ کانون در مرحله کشوری. در مجموع، ۱۳۳۲ تیم مقدماتی، ۲۲۸۲ تیم استانی و ۵۷ تیم کشوری (در همدان) رقابت کردند. بیش از ۱۲ هزار نفر در مقدماتی شرکت داشتند که ۶۱۲ نفر به مرحله



**فیلم سینمایی «مجنون» به کارگردانی مهدی شامحمدی و تهیه‌کنندگی عباس نادران ازجمله تازه‌ترین آثار سینمای دفاع مقدس است که به زندگی و شهادت سردار مهدی زین‌الدین فرمانده جوان و مؤثر لشکر ۱۷ علی‌بن ابی‌طالب(ع) می‌پردازد. این فیلم که عنوان خود را از عملیات خیبر و جزیره مجنون وام گرفته، در تلاش است تا تصویری از رشادت، ایمان و منش انسانی یکی از چهره‌های کمتر دیده‌شده جنگ تحمیلی را بازنمایند کند. در میان آثار اخیر سینمای دفاع مقدس، این فیلم به لحاظ انتخاب سوزو و نیت سازندگان جایگاهی ارزشمند دارد زیرا به سراغ شخصیتی رفته که نه فقط در میدان نبرد بلکه در اخلاق، تدبیر و مدیریت نظامی الگویی متفاوت از فرماندهی ارائه کرده است. با این حال آنچه بر پرده سینما نقش بسته، هرچند شریف است اما از منظر سینمایی و دراماتیک به اثری درخشان و ماندگار بدل نشده و در نهایت میان مستندگرایی و درام سینمایی و تلفیق درست واقعیت تاریخی با زبان دراماتیک سرگردان می‌ماند.**

#### آفت اصلی فیلم

فیلم از همان آغاز با نگاهی جدی به بازسازی جغرافیای جنگ وارد می‌شود. لوکیشن‌ها، طراحی صحنه‌ها و لباس‌ها با دقتی قابل قبول و نزدیک به واقعیت بازسازی شده و کارگردان در خلق فضاهای جبهه و حس خطر موفق است. فیلمبرداری در مناطق باتلاقی و شبیه‌سازی جزایر مجنون نیز نشان می‌دهد گروه تولید زحمتی واقعی برای احیای فضاهای فیزیکی جنگ متحمل شده‌اند. اما همین دقت در جزئیات صحنه در سطح روایت و شخصیت‌پردازی دیده نمی‌شود.

از همان دقایق ابتدایی، فیلم به‌جای معرفی تدریجی و مؤثر شخصیت شهیدزین‌الدین و ایجاد همدلی عاطفی با مخاطب به نمایش سریع و گاه بی‌هدف رویدادها می‌پردازد. در نتیجه قهرمان فیلم نه به‌عنوان انسانی از گوشت و پوست و خون بلکه بیشتر به‌عنوان چهره‌ای مقدس و از پیش ستایش شده معرفی می‌شود.

یکی از ایرادهای اساسی این اثر سینمایی در همین رویکرد قدسی‌سازی نهفته‌است. سینمای دفاع‌مقدس در سال‌های اخیر بارها گرفتار این دام شده که قهرمانانش را از مرتبه انسان‌های درگیر با شک و تصمیم به چهره‌هایی بی‌خطا و از پیش پیروز تبدیل کند.

شامحمدی در مقام کارگردان با وجود نیت پرهیز از اغراق نتوانسته از این کلیشه فاصله بگیرد. شهیدزین‌الدین در فیلم بیشتر یک نماد است تا یک شخصیت زنده. او هیچ تردید ضعف یا تضاد درونی ندارد؛ سخنانش اغلب حکیمانه است و واکنش‌هایش پیش‌بینی‌پذیر. همین بی‌نقصی درام را تهی از کشمکش درونی کرده و از مخاطب امکان هم‌ذات‌پنداری را می‌گیرد.

قهرمان زمانی به‌یادماندن‌نی می‌شود که در میانه تضاد میان ایمان و تردید فرماندهی و عاطفه یا

زندگی و مرگ قرار گیرد. اما در مجنون، زین‌الدین از همان ابتدا تا پایان فیلم بر مدار یقین مطلق حرکت می‌کند و همین موجب می‌شود اثر به‌رغم احترام و ایمان به سوزو‌اش از نظر احساسی سرد و یک‌بعدی جلوه کند.

#### سرگردانی میان چند خط داستانی

روایت فیلم بر محور عملیات خیبر و ماجراهای منتهی به حضور لشکرزین‌الدین در جزیره مجنون بنا شده است. از لحاظ تاریخی این عملیات یکی از پیچیده‌ترین و استراتژیک‌ترین نبردهای دفاع‌مقدس بود. با این حال فیلم در انتقال ابعاد نظامی و تاکتیکی عملیات

چندان موفق نیست. بسیاری از لحظات جنگی به شکل کلیشه‌ای و بدون توضیح زمینه یا هدف نظامی نمایش داده می‌شود. تماشاکر نمی‌داند چرا این نبرد مهم است؟ چه تفاوتی با عملیات‌های پیشین دارد؟ و چرا تصمیمات فرمانده حیاتی است؟ در حالی‌که سینمای



کشوری راه یافتند. رشته‌ها شامل قرائت، تحقیق، تقلید، ترتیل، حفظ کل، جزء سی، موضوعی، اذان، صحت اذکار نماز، ترجمه خوانی، دعاخوانی، مکبری، مربی کودکان، قصه‌گویی و بیان تفسیر است. هر تیم علاوه بر رشته تخصصی، باید یک اثر گروهی در حوزه فرآورده‌های قرآنی ارائه دهد. این رویکرد جمعی، نقطه تمایز دوره هفدهم است و امید به تداوم آن می‌رود.

بازسازی یک عملیات تاریخی؟ همین چندگانگی هدف، سبب شده فیلم در نیمه دوم به‌تدریج از تمرکز خالی شود و انرژی عاطفی‌اش فرو بخوابد.

**نقاط قوت و ضعف**

در کنار این ضعف‌های روایی، زبان بصری فیلم نیز نوسان دارد. فیلمبرداری در برخی صحنه‌ها به‌ویژه در محیط‌های مرطوب و غبارآلود جنوب بسیار چشم‌نواز است و قاب‌هایی از زیبایی سینمایی در خود دارد اما استفاده افراطی از کلوزآپ و دوربین لرزان در لحظات بحرانی باعث شده انسجام بصری اثر لطمه ببیند. نورپردازی به‌ویژه در صحنه‌های شبانه گاهی حالتی تئاتری و مصنوعی پیدا می‌کند. با این حال کارگردان در برخی نماها به‌سادگی و صداقت بصری نزدیک می‌شود، مثلاً در صحنه‌های گفت‌وگو میان مهدی و مجید زین‌الدین یا در لحظه‌های وداع. در این لحظات فیلم به سطحی از حس انسانی و صداقت دست می‌یابد که می‌توانست در صورت استمرار، اثر را بسیار تأثیرگذارتر کند.

از نظر صدا و موسیقی همکاری با مجید انتظامی یکی از نکات مثبت فیلم است. انتظامی که سابقه درخشانی در موسیقی فیلم‌های جنگی ایران ازجمله «آژانس شیشه‌ای» و «از کرخه تا یاسین» دارد بار دیگر با تمی ملایم و اندوهناک فضای روحانی فیلم را تقویت کرده است. موسیقی او نه در خدمت حماسه‌سازی صرف بلکه برای القای معنویت و درد استفاده می‌شود. با این حال تدوین صدا در برخی بخش‌ها از توازن برخوردار نیست. حجم بالای موسیقی و گفت‌وگوهای هم‌زمان با صدای محیط گاه موجب آشفتگی صوتی می‌شود. همچنین افکت‌های صوتی نبرد هرچند حرفه‌ای اجرا شده اما در لحظات پرتنش آن قدرت و عمق لازم برای انتقال حس واقعی میدان جنگ را ندارد.

نوع نگاه فیلمساز به مفهوم قهرمان جست‌وجو کرد. شامحمدی قهرمان خود را از پیش به مقام اسطوره ارتقا داده و سپس کوشیده با ابزار سینما او را بازنمایی کند. در حالی‌که سینما به‌ویژه سینمای بیوگرافیک نیازمند مسیر معکوس است؛ باید قهرمان را از مرتبه انسان عادی آغاز کرد و به‌تدریج با نمایش تصمیم‌ها و فداکاری‌ها، او را به مقام قهرمان رساند. وقتی قهرمان از ابتدا مقدس معرفی شود هیچ فراز و فرودی باقی نمی‌ماند و درام به روایت ثابت و پیکناختی بدل می‌شود. با وجود این ضعف‌ها نمی‌توان تلاش صادقانه سازندگان را نادیده گرفت. در شرایطی‌که سینمای دفاع‌مقدس سال‌هاست از کمبود آثار جدی و پرهزینه رنج می‌برد، مجنون از معدود پروژه‌هایی است که با پشتوانه مالی مناسب و هدف فرهنگی مشخص ساخته شده است. همین امر سبب شده فیلم از نظر تولید و طراحی صحنه در سطح بالاتری نسبت به آثار مشابه قرار گیرد. حضور مشاوران نظامی، استفاده از لوکیشن‌های واقعی و تلاش برای بازسازی فضای جغرافیایی جنوب؛ فیلم را به آثار مستندگونه نزدیک کرده است. حتی در بخش‌هایی از گفت‌وگوها نوع گویش و اصطلاحات رزمندگان به‌درستی بازآفرینی شده و حس اصالت به مخاطب منتقل می‌کند.

نیازمند نگاهی انسانی چندبعدی و بی‌واسطه است؛ نگاهی که بتواند ایمان را از خلال تردید نشان دهد و حماسه را از دل رنج انسانی استخراج کند؛ در غیر این صورت حتی ارزشمندترین سوزه‌ها نیز در قاب سینما به روایت‌هایی خشک و تکراری بدل خواهند شد. به همین دلیل مجنون را می‌توان اثری میان‌مایه در مسیر رشد سینمای دفاع‌مقدس دانست؛ فیلمی که می‌خواهد پلی بزند میان حقیقت تاریخی و جذابیت دراماتیک اما در میانه راه متوقف می‌شود. تماشاگر در پایان نه به شدت متأثر می‌شود و نه کاملاً بی‌اعتنا می‌ماند بلکه با احساسی از احترام همراه با فقدان شور و کشف حقیقت، سالن را ترک می‌کند. این همان شکاف عمیقی است که میان نیت فرهنگی و توان سینمایی در بسیاری از آثار دفاع‌مقدس معاصر وجود دارد و شاید مجنون یکی از صادقانه‌ترین اما ناکام‌ترین نمونه‌های آن باشد



نیازمند نگاهی انسانی چندبعدی و بی‌واسطه است؛ نگاهی که بتواند ایمان را از خلال تردید نشان دهد و حماسه را از دل رنج انسانی استخراج کند؛ در غیر این صورت حتی ارزشمندترین سوزه‌ها نیز در قاب سینما به روایت‌هایی خشک و تکراری بدل خواهند شد. به همین دلیل مجنون را می‌توان اثری میان‌مایه در مسیر رشد سینمای دفاع‌مقدس دانست؛ فیلمی که می‌خواهد پلی بزند میان حقیقت تاریخی و جذابیت دراماتیک اما در میانه راه متوقف می‌شود. تماشاگر در پایان نه به شدت متأثر می‌شود و نه کاملاً بی‌اعتنا می‌ماند بلکه با احساسی از احترام همراه با فقدان شور و کشف حقیقت، سالن را ترک می‌کند. این همان شکاف عمیقی است که میان نیت فرهنگی و توان سینمایی در بسیاری از آثار دفاع‌مقدس معاصر وجود دارد و شاید مجنون یکی از صادقانه‌ترین اما ناکام‌ترین نمونه‌های آن باشد

## آغاز دوازدهمین دوسالانه کاریکاتور تهران

دوازدهمین دوسالانه بین‌المللی کاریکاتور تهران به‌دبیری مسعود شجاعی طباطبایی طی نشست به‌صورت رسمی آغاز شد. در این نشست، آیدین مهدی‌زاده، مدیرکل دفتر هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، گفت: برگزاری این دوسالانه با تمام توان دنبال می‌شود و با همکاری اساتید برجسته، چالش‌های پیش‌رو را پشت‌سر خواهیم گذاشت. او ابراز امیدواری کرد با رونق دوباره این رویداد، خانه کاریکاتور ایران نیز جان تازه‌ای بگیرد. محمد خراسانی‌زاده، سرپرست معاونت هنری سازمان فرهنگی هنری نیز بیان کرد: در تلاش برای احیای این دوسالانه بودیم و اکنون با همراهی نهادهای فرهنگی و هنرمندان، فرصتی مناسب برای برگزاری قدرتمندتر آن فراهم شده است. در ادامه جلسه، پیشکشوتان کاریکاتور درباره شیوه‌های اجرای دوسالانه به تبادل نظر پرداختند و با رای اعضا، بهرام عظیمی، کیارش زندی، سیدمسعود شجاعی طباطبایی، جمال رحمتی و عباس ناصری به‌عنوان اعضای شورای اجرایی انتخاب شدند.

## لاک پشت به فرهنگسرای اندیشه می‌آید

فیلم «لاک‌پشت» به‌عنوان سومین اثر سینمایی کامیار پس از فیلم‌های «مرداد» و «در وجه حامل»، درامی روان‌شناسانه با فضایی متفاوت محسوب می‌شود. فرهاد اصلانی در نقش یک روانپزشکی ظاهر شده که درگیر بحرانی روانی است و پس از یک اتفاق در زندگی‌اش، همسر و تمام زندگی‌اش را در آستانه از دست‌دادن می‌بیند. او برای نجات زندگی خود، دست به کارهایی می‌زند که هر لحظه او را به ورطه جنون نزدیک‌تر می‌کند. لاک‌پشت روایتگر زندگی مردی است که گذشته‌ای سنگین و پیراهام را پشت‌سر گذاشته و اکنون در تلاش است با واقعیت‌های امروز و بیامدهای انتخاب‌های پیشین خود کنار بیاید. در میز نقد این نشست که با حضور کارگردان همراه است، پیمان شوقی، نویسنده و منتقد سینما و محسن سلیمانی فاخر، کارشناس و منتقد سینما حضور خواهند داشت و دکتر طاهر علیزاده از بُعد روانکاوی، فیلم را تحلیل خواهد کرد. امروز این نشست در فرهنگسرای اندیشه برگزار می‌شود.



نیازمند نگاهی انسانی چندبعدی و بی‌واسطه است؛ نگاهی که بتواند ایمان را از خلال تردید نشان دهد و حماسه را از دل رنج انسانی استخراج کند؛ در غیر این صورت حتی ارزشمندترین سوزه‌ها نیز در قاب سینما به روایت‌هایی خشک و تکراری بدل خواهند شد. به همین دلیل مجنون را می‌توان اثری میان‌مایه در مسیر رشد سینمای دفاع‌مقدس دانست؛ فیلمی که می‌خواهد پلی بزند میان حقیقت تاریخی و جذابیت دراماتیک اما در میانه راه متوقف می‌شود. تماشاگر در پایان نه به شدت متأثر می‌شود و نه کاملاً بی‌اعتنا می‌ماند بلکه با احساسی از احترام همراه با فقدان شور و کشف حقیقت، سالن را ترک می‌کند. این همان شکاف عمیقی است که میان نیت فرهنگی و توان سینمایی در بسیاری از آثار دفاع‌مقدس معاصر وجود دارد و شاید مجنون یکی از صادقانه‌ترین اما ناکام‌ترین نمونه‌های آن باشد



نیازمند نگاهی انسانی چندبعدی و بی‌واسطه است؛ نگاهی که بتواند ایمان را از خلال تردید نشان دهد و حماسه را از دل رنج انسانی استخراج کند؛ در غیر این صورت حتی ارزشمندترین سوزه‌ها نیز در قاب سینما به روایت‌هایی خشک و تکراری بدل خواهند شد. به همین دلیل مجنون را می‌توان اثری میان‌مایه در مسیر رشد سینمای دفاع‌مقدس دانست؛ فیلمی که می‌خواهد پلی بزند میان حقیقت تاریخی و جذابیت دراماتیک اما در میانه راه متوقف می‌شود. تماشاگر در پایان نه به شدت متأثر می‌شود و نه کاملاً بی‌اعتنا می‌ماند بلکه با احساسی از احترام همراه با فقدان شور و کشف حقیقت، سالن را ترک می‌کند. این همان شکاف عمیقی است که میان نیت فرهنگی و توان سینمایی در بسیاری از آثار دفاع‌مقدس معاصر وجود دارد و شاید مجنون یکی از صادقانه‌ترین اما ناکام‌ترین نمونه‌های آن باشد